

۲۵۰ دختر از سراسر منطقه ثامن برای میثاق با آرمان‌های انقلاب دست به دست هم دادند

حافظ خیابان و جان فدای ایرانیم



بازی کودکان، می‌گوید: بعضی خانواده‌ها که بچه کوچک دارند، شاید نتوانند هر شب به خیابان بیایند، اما حضور حداکثری همه مردم مهم است. به همین دلیل، بازی‌هایی برای بچه‌ها در نظر می‌گیریم تا آن‌ها را سرگرم کنیم و تا آخر شب خسته نشوند.

● درک رسانه‌ای نسل جدید

عمو روحانی مشغول اجرای برنامه است و زینب حسن نژاد، مسئول گروه سرود، دخترها را به صف کرده است تا پس از تمام شدن سخنرانی، بروند روی سن و شعرهای جدیدی را که در تعامل با گروه‌های مساجد دیگر تمرین کرده‌اند، اجرا کنند. در میان جمعیت زینب دانشور و زهرا حسن نژاد مشغول عکاسی و فیلم برداری هستند تا برای فضای رسانه محتوای مناسب تولید کنند. احمدی می‌گوید: نسل جدید می‌داند که رسانه تا چه اندازه تأثیرگذار و مهم است و در تولید کلیپ‌ها و متن‌های انگیزه بخش فعال است.

او که گرد هم آمدن دختران منطقه ثامن را نشان هم بستگی و همدلی مردم در این برهه از زمان می‌داند، می‌گوید: برای هر کدام از این نوگل‌ها تسبیحی با سه رنگ مقدس پرچم جمهوری اسلامی ایران تهیه کرده‌ایم تا به آن‌ها بگوییم حضورشان همیشه مهم و مؤثر است.

می‌دهند و هر مسئولیتی به آن‌ها بسپاریم، بدون چون و چرا به عهده می‌گیرند و به بهترین شکل ایده پردازی و اجرا می‌کنند. مهین احمدی که به توانایی دختران نوجوان ایمان دارد، ادامه می‌دهد: در بسیاری از تجمعات فعالیت‌های دختران یا کم رنگ است یا دیده نمی‌شود، اما اینجا بخش مهمی از مسئولیت‌ها با دختران با انگیزه است که در دره‌های سنی مختلف حضور دارند. در حالی که بزرگ‌ترها به نماز استغاثه ایستاده‌اند، چند نوجوان کودکان را با بازی و مسابقه سرگرم می‌کنند. هانیه جباری، مسئول

موسوی این روزها که صدای مقاومت مردم در خیابان‌های شهر پیچیده است، دختران منطقه ثامن نیز در بولوار رضوان جمع شده‌اند و کوچک و بزرگ دست به دست هم داده‌اند تا قدرت حضورشان را بار دیگر به دوست و دشمن نشان دهند. هم‌زمان با اذان مغرب در یکی از روزهای دهه کرامت ۲۵ نفر از دختران محلات بالا خیابان و پایین خیابان به مسجد علی اکبری‌های نوغان دعوت شده‌اند تا جشن امسال را با هم بستگی و یکپارچگی در خیابان جلو این مسجد برپا کنند.

● نوجوان‌ها مسئول برنامه‌ها

گروهی برای اجرای سرود آماده می‌شوند و عده‌ای برنامه ریزی می‌کنند تا همه رده‌های سنی بتوانند در مسابقه شرکت کنند. چند نفر مشغول تدارک فضای بازی هستند و تعدادی از بچه‌ها هم صندلی‌ها را ردیف می‌چینند. اینجا تا دلتان بخواهد همراهی و همدلی دیده می‌شود. مسئول فرهنگی دختران مسجد و حسینیه علی اکبری‌ها می‌گوید: دو ماهی می‌شود که بچه‌ها هر شب در خیابان پایه پای بزرگ‌ترها حضور دارند و با همت و علاقه زیاد کارهای پشتیبانی و برنامه‌های فرهنگی را انجام



● رسم هواداری در روزگار کساد

سید علیرضا دهقان که اهل محل اورا «سید آتیشی» صدا می‌زنند، از آن موسسید کرده‌هایی است که نامش با کوجه‌های پایین خیابان گره خورده است. سال‌هاست در این محله نفس کشیده و هنوز هم دلش به رفت و آمد همین همسایه‌ها خوش است. انگشترهایی که به دست دارد، هر سه ساخته دست انگشترساز قدیمی محل، آقای باقرزاده است. حاج آقا با بیان اینکه آدم اول باید هوای همسایه کاسبش را داشته باشد، می‌گوید: در این روزگار کساد، نباید اجازه بدهی نان همسایه‌ات آجر شود. من هر خریدی داشته باشم، حتی اگر جنس را جای دیگری هم پیدا کنم، ترجیح دکان هم محله‌ای‌هاست. آقا سید اضافه می‌کند: گاه و بیگاه با همسایه‌ها سلام و علیکی می‌کنیم و اگر در خانه کاری داشته باشیم، از همین کاسب‌های بچه‌محل خودمان می‌خواهیم بیایند و کمک کنند. از راه انداختن کولر خانه گرفته تا درست کردن قطعات ماشین وقتی خوب کار نمی‌کند. من هر روز که از خانه خارج می‌شوم، از جلوه‌ها مغازه‌ای که رد می‌شوم، برای همسایه‌ها دست‌تکان می‌دهم. آقا علیرضا یا سوپری محل، آقا علی اصغر، بچه‌هایی هستند که جلو چشم خودمان قد کشیده‌اند.

همسایه به همسایه، دیدار بیست و یکم، خیابان امیرالمؤمنین (ع)

ما همسایه‌ها با هم ندار هستیم

سمیرا شاهیان اسه همسایه خیابان امیرالمؤمنین (ع) در یک محله رشد کرده‌اند و کار و کاسبی‌شان هم جان گرفته است. احوال‌شان به سلام و علیک‌های روزانه با هم‌گروه خورده است؛ به جمله‌هایی مثل «سلام حاجی، خوبی؟ کار و کاسبی‌چطور است؟» یا پرسیدن احوال اهل خانه. از نسل‌های مختلف هستند و می‌گویند اینجا همسایه‌داری هنوز پررنگ است و هرکاری از دستشان برآید، برای هم انجام می‌دهند. معمولاً پاتوق نیم‌روزه‌شان پیش از نماز ظهر، جلو انگشترسازی قدیمی آقا علیرضا است. علیرضا باقرزاده کاسبی است که به آچار فرانسه محله معروف است. اگر کسی از همسایه‌ها کولر خانه‌اش خراب شود یا در خانه و ماشین نیاز به کار فنی داشته باشد، مستقیم سراغ او می‌آید.

● سوپری محل و

همسایه‌های ندار

علی اصغر براتی از آن کاسب‌های جوانی است که از کودکی اش خاطرات زیادی از همسایه‌ها دارد. باهیجان و انرژی زیاد تعریف می‌کند: یکی مثل من از همسایه‌های محل بیشتر حساب برده است تا خانواده و فامیل. همسایه‌های اینجا مثل همین آقا سید، بیشترشان از دوسه نسل قبل در این محل زندگی کرده‌اند. او مشتری‌هایش را به اسم می‌شناسد. می‌داند کدام بچه برای خرید بستنی می‌آید و کدام خانواده بعد از خرید نان سنگک به سوپرمارکتش مراجعه می‌کند. اگر کسی دستش تنگ باشد، جنس را می‌برد و حسابش می‌ماند برای بعد. براتی می‌گوید: من که بچه بودم، سر بیخچال خانه آقا سید می‌رفتم. منظورم این است که ما همسایه‌ها خیلی با هم ندار بودیم.

او که این روابط قوی همسایگی را تجربه کرده است، مثل خیلی از قدیمی‌های محل باور دارد مغازه کاسب محله باید ما امن مردم باشد؛ جایی که هم خریدشان انجام شود و هم دلشان گرم. شاید به همین دلیل است که سوپرمارکت کوچک او، بیشتر از یک مغازه، پاتوق همسایه‌هاست.

● انگشترسازی؛ پاتوق احوال‌پرسی‌ها

هجده سال است در مغازه کوچک رنگ و رو رفته و باصالتش نشسته است. با ذره بین و قلم، سنگ‌ها را صیقل می‌دهد و روی رکاب سوار می‌کند. علیرضا باقرزاده از کاسب‌های آشنای پایین خیابان است و مشتری‌های قدیمی‌اش فقط برای سفارش انگشتر به دکان قدیمی‌اش نمی‌آیند، بلکه برای گپ و احوال‌پرسی هم سری به او می‌زنند. باقرزاده معتقد است همسایه‌مداری فقط در قرض دادن نمک و چای خلاصه نمی‌شود و می‌گوید: گاهی همین که به هم سر بزنیم و نگذاریم چراغ مغازه‌ای خاموش شود، یعنی همسایه‌مداری. یکی از مشتری‌های باقرزاده که همسایه‌ای به قدمت چند دهه است و با پدر آقا علیرضا رفت و آمد داشته، سید علیرضا دهقان است. سید هر بار که از جلو مغازه انگشترسازی رد می‌شود، دستی بلند می‌کند و باقرزاده بالبخند جوابش را می‌دهد. باقرزاده می‌گوید: همین دل‌گرمی همسایه‌هاست که آدم را پای کار نگه می‌دارد. وقتی می‌بینی پیرمرد محل، سفارش انگشترش را برای حمایت به مغازه تو می‌آورد، احساس می‌کنی هنوز مروت و مردانگی و اعتماد نمرده است.

